

فرا تحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران

مهدی طالب *

صدیقه پیری **

سمیه محمدی ***

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر، فرا تحلیلی بر مطالعات انجام شده در زمینه فقر در جامعه روستایی ایران است. مسئله اصلی در بررسی حاضر این است که رویکرد نظری غالب و متغیرهای اصلی در پژوهش‌های مذکور چیست؟ و تا چه حد به رهیافت مشارکتی توجه شده و از چه موضوعاتی غفلت شده است؟ روش گردآوری داده‌ها، مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است، به طوری که ابتدا هفتاد پایان‌نامه و پژوهش در زمینه فقر در دهه ۸۰، بررسی شد که از بین آنها، سی و دو پژوهش درباره فقر روستایی، به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. برخی از متغیرهای مهم پژوهش حاضر عبارت‌اند از: تعاریف فقر، شیوه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روند فقر در جوامع روستایی، عوامل تأثیرگذار، نتایج و استراتژی‌ها برای کاهش فقر. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با روش تحلیل محتوا انجام شد. طبق یافته‌های تحقیق، بیشتر داده‌های موجود، با استفاده از داده‌های ثانویه مرکز آمار ایران به دست آمده است و عمدتاً با روش‌های مختلف کمی و اقتصادسنجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در زمینه فقر روستایی، بیشتر بر جنبه‌های پولی و مالی تأکید شده است. طبق نتایج تحقیق، فقر را باید از جنبه‌های اجتماعی و با رویکردهای انسانی و مشارکتی نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در اغلب مطالعات مذکور، به این موضوع چندان توجه نشده است. علاوه بر این، در مطالعات یادشده، موضوعاتی مانند آثار گوناگون فقر بر اقشار مختلف جامعه روستایی، سیاست‌های فقرزدایی و ارزیابی آثار آنها و نیز اثر پدیده‌های کلان مانند جهانی شدن بر فقر روستایی بررسی نشده است.

کلیدواژه‌ها: فقر، روستا، فرا تحلیلی، عوامل اقتصادی، رویکرد مشارکتی.

* استاد گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. taleb_ir@yahoo.com

** کارشناس ارشد رشته توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. spiri.1365@gmail.com

*** کارشناس ارشد رشته برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران. somayemohammadi92@yahoo.com

مقدمه

فقر، یکی از مهمترین مسائلی است که اذهان سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و توده مردم را به خود مشغول کرده است، پدیده‌ای که قطعاً هزینه‌ها و آسیب‌های متعدد دیگری را نیز به وجود آورده است. این موضوع موجب شده است که در دهه‌های اخیر، فقر مورد توجه محافل بین‌المللی و جهانی قرار گیرد، به طوری که، سالانه برنامه‌ها و کنفرانس‌های متعددی برای چاره‌اندیشی درباره آن برگزار شده و دهه‌هایی نیز با این عنوان نام‌گذاری شده‌اند.^۱ یکی از فقیرترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های موجود در جوامع، به‌ویژه در جهان سوم، روستاییان هستند. در سال ۲۰۰۱، حدود ۱/۲ میلیارد نفر در جهان در شرایط فقر مصرفی حاد قرار داشته‌اند که حدود سه‌چهارم آنها، یعنی ۹۰۰ میلیون نفر، در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. همچنین پیش‌بینی شده است که تا سال ۲۰۲۵، بیش از نیمی از آنها در همین شرایط باقی خواهند ماند (زاهدی مازندران، ۱۸: ۱۳۸۴). به نقل از گزارش ایفاد^۲. در ایران نیز، این پدیده در جوامع روستایی وجود دارد. گفته شده است که در هر سطحی از مصرف، نرخ فقر در نواحی روستایی بیشتر از نواحی شهری است (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). از این رو، آگاهی از وضعیت فقر در جامعه، کاملاً منطقی و ضروری است و اولین قدم در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و اتخاذ برنامه‌های راهبردی‌تر خواهد بود. یکی از روش‌های موجود برای ایجاد انسجام در مطالعات انجام شده، فراتحلیل^۳ است. کارل پیرسون نخستین فراتحلیل را در سال ۱۹۰۴ (برای بررسی میزان تأثیر واکسیناسیون علیه آبله) انجام داد (هانت^۴، ۱۹۹۷، رابین ۱۹۸۴). فراتحلیل در دو دهه پایانی قرن بیستم در حوزه‌های علوم رفتاری و علوم اجتماعی نیز رایج شد (میسلورن^۵، ۲۰۰۵: ۳۴). در فراتحلیل، جمع‌آوری یافته‌های پژوهشی از مطالعات منفرد و پراکنده به منظور ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌های آنها برای استفاده علمی و کاربردی (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹: ۶۸) مورد توجه است. از آنجایی که یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکست برنامه‌های فقرزدایی روستایی، وجود کاستی‌هایی در مطالعات انجام شده درباره این پدیده است، هدف پژوهش حاضر این است که با استفاده از فراتحلیل، به‌عنوان یک روش پژوهش، وضعیت مطالعات انجام شده در زمینه فقر روستایی بررسی شود.

۱ در دهه ۱۹۸۰، با اتخاذ سیاست‌های تعدیل اقتصادی، فقرا بار دیگر به فراموشی سپرده شدند که بانک جهانی این دهه را «دهه فقرای فراموش شده» نامید. ولی به منظور حل این معضل، دهه ۱۹۹۰ را دهه «جنگ با فقر یا دهه تغییر راهبردهای فقرزدایی» نامیده‌اند (مجموعه مقالات، ۱۳۷۹: ۹۹۲).

2 IFAD
3 Meta-analysis
4 Hunt
5 Misselhorn

بیان مسأله و اهداف تحقیق

در سال‌های اخیر، مطالعات زیادی درباره فقر در جامعه روستایی ایران انجام شده است که در هر یک از آنها با رویکردی خاص، این پدیده مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل سیستماتیک و منظم مباحث فقر روستایی می‌تواند موجب انسجام در تحقیقات مذکور شود و ارزش اقتصادی نیز داشته باشد، به طوری که در اتخاذ سیاست‌های فقرزدایی، برای برنامه‌ریزان توسعه و نیز دانش‌آموختگان مطالعات روستایی مفید واقع شود. در تحقیق حاضر، مهمترین متغیرها در تحقیقات مربوط به فقر روستایی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این متغیرها عبارت‌اند از سال انجام پژوهش، تعاریف فقر، سنجش فقر، نظریه‌های مورد استفاده، شیوه جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، گروه‌های فقیر در جوامع روستایی، روند فقر در جوامع روستایی در طول سه دهه گذشته، عوامل مؤثر بر فقر روستایی و نتایج و راه‌حل‌های پیشنهاد شده برای کاهش فقر. مسأله اصلی پژوهش حاضر، این است که رویکرد نظری غالب در این پژوهش‌ها چیست؟ و تا چه اندازه به رهیافت انسانی و مشارکتی توجه شده است. برخی دیگر از سؤالات تحقیق به شرح ذیل است: پژوهش‌های انجام شده چه جنبه‌هایی از فقر روستایی را مورد بررسی قرار داده‌اند؟ گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها با چه روشی انجام شده است؟ بر چه موضوعاتی بیشتر تأکید شده و در مطالعات مربوط به فقر در جامعه روستایی ایران به چه موضوعاتی توجه نشده است؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

توجه برنامه‌ریزان توسعه به رویکردهای مشارکتی از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. دلیل این توجه روزافزون را می‌توان کاستی‌های موجود در رهیافت‌های قبلی در زمینه توسعه و پیامدهای منفی آن دانست (عابدی سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۴۳). امروزه با جایگزینی «انسان‌محوری» به جای «فن‌محوری» در اندیشه توسعه، مرزبندی جدیدی به نام پارادایم قدیم و جدید به وجود آمده است که توسعه مشارکتی را می‌توان در قالب پارادایم جدید تعریف کرد (شریعتی، ۱۳۸۳: ۳۴۰). در پژوهش حاضر، از دیدگاه مجید رهنما درباره فقر و توسعه مشارکتی استفاده شده است. رهنما معتقد است که توسعه به مثابه اقتدار جدید ملی‌گرایان، فرهیختگان و رهبران نوگرای دنیای استعمار پدید آمد. اما تداوم مشکلاتی مانند فقر و سوء تغذیه، به بحران شدید اعتماد در بین طرفداران منجر شد. کار میدانی در بین فقرا،

زندگی آرمان‌گرایانه مرفه شهری را دگرگون کرد و توسعه مشارکتی، حاصل این رویارویی بود (پیت و ویک، ۱۳۸۴: ۲۰۱). به اعتقاد رهنما، اشتباه است که فقر را ناشی از کمبود بدانیم، زیرا در این صورت، موانع اساسی زیادی در شکل‌گیری مناظرات بین فقرا و ثروتمندان ایجاد می‌شود (رهنما، ۲۰۰: ۲). وی معتقد است فقر برای بسیاری از کارشناسان اقتصادی متخصص فقر و نیز بسیاری از حاکمان، معنایی جز کمبود درآمد ندارد. از این‌رو، کمبود یا نیازهای ارضاننده، یکی از متغیرهایی است که بسیاری از افراد مذکور و سازمان‌ها بر آن تأکید می‌کنند، در حالی که این سؤال مطرح است که چه کسی شایستگی بیان چنین تعریفی درباره فقر، به‌ویژه در اجتماعات بزرگ را دارد و قطعاً پاسخگویی به این سؤال بسیار سخت و پیچیده خواهد بود (رهنما، ۲۰۰۴: ۱-۲). همان‌طور که نخبگان ایرانی تلاش می‌کنند تا عقاید اقتصادی غربی را دنبال کنند و در حل مسائل، خود را ملزم به استفاده از روش‌های مارکسیستی یا نئولیبرالی کنند (رهنما، ۲۰۰۲: ۹۷). مجید رهنما در کتاب خود بیان می‌کند که ریشه‌کن کردن ناپایداری فقط به تغییر پوسته این یا آن نهاد بستگی ندارد. فقر متجددانه فقط با تلاش‌های پیگیر هر فرد رفع می‌شود، لازم است که هر فرد ماهیت فقر خویش را دریابد تا بتواند از مشارکتش در تولید کمبود بکاهد یا آن را متوقف کند. وی معتقد است در عصر حاضر، درباره فقیر به‌طور تحقیرآمیز قضاوت می‌شود، به‌طوری‌که فقر به بی‌مهارتی، بی‌صلاحیتی، بی‌مسئولیتی یا بی‌شخصیتی و بی‌فرهنگی تعبیر می‌شود. رهنما همچنین بیان می‌کند که نیازهای مادی فقرا، چیزی جز نشانه‌های یک کمبود تعیین‌کننده‌تر نیست. اما ظاهراً گویش اقتصادی نوین آن را نادیده می‌گیرد، در واقع مسئله اساسی فقرا این نیست که چه کمبودهایی دارند، بلکه مسئله این است که شرایط اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری تحلیل آنها، به‌گونه‌ای است که به آنها اجازه نمی‌دهد تا درباره آن چیزی که موجب می‌شود واقعاً با ناملايمات رودرو شوند، به‌طور مستقل داوری کنند. پس تکیه صرف بر استراتژی‌های اقتصادی و عمدتاً مرکزی برای بررسی فقر روستایی، اثربخشی کمتری خواهد داشت (رهنما، ۱۳۸۴: ۳۱۲، ۳۵۹). از این‌رو، می‌توان گفت از منظر رهنما رویکرد مشارکتی، دیدگاهی جدید، مردمی، تکاملی و درون‌زا از توسعه را نوید می‌دهد که فارغ از قید و بندهای استعماری و فنی - اقتصادی است، در این رویکرد، آگاهی عامه به‌عنوان نقطه شروع قرار دارد (پیت و ویک، ۱۳۸۴: ۲۰۲-۲۰۰).

مطالعات بسیار کمی در زمینه فراتحلیل فقر، به‌ویژه در جوامع روستایی انجام شده است. به اعتقاد زاهدی‌مازندرانی (۱۳۸۴) مطالعات انجام شده درباره فقر، اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت

فراتحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران

عمومی فقر، الگوی توزیع درآمد و ساختار طبقاتی در روستاها مهیا می‌کنند، اما کاستی‌های اساسی آنها را نمی‌توان نادیده گرفت. روسبرگ^۱ (۲۰۰۸) در فراتحلیل خود تلاش کرده است ارتباط بین فعالیت‌های کشاورزی و ارزش افزوده فعالیت‌ها با کاهش فقر روستایی و سپس ارتباط بین فقر روستایی و توسعه ملی را بررسی کند. جهان^۲ (۲۰۰۸) نیز در فراتحلیل خود نشان داد که فقر با افزایش خطر مرگ و میر نوزادان در اولین سال زندگی همراه است که این پدیده به‌ویژه در میان زنان بی‌سواد بسیار شایع است. به اعتقاد چی هسه و پاگ^۳ (۱۹۹۳)، محققانی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، مطالعاتی در این زمینه انجام داده بودند، نتوانستند به اجماع مشخصی درباره رابطه شرایط اقتصادی و فقر با جرائم خشونت‌آمیز دست یابند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که فقر و نابرابری درآمدی هر کدام با جرائم خشونت‌آمیز در ارتباط هستند. بینوس^۴ (۲۰۰۶) در فراتحلیل خود بیان می‌کند بین اعتبارات خرد با امنیت غذایی، درآمدی و رفاه اجتماعی تأثیر نسبتاً مثبتی وجود دارد. زارازوا^۵ (۲۰۱۰) نیز فراتحلیل رابطه فقر و اعتبارات خرد را انجام داده است. طبق یافته‌های بررسی وی، گرچه در زمینه اعتبار و روایی تحقیقات انجام شده و روش نمونه‌گیری آنها سؤالات زیادی وجود دارد، ولی به‌طور کلی مطالعات مذکور، موجب افزایش میزان این اعتبارات شدند. اینکه چگونه و تا چه حد اعتبارات خرد می‌توانند فقر را کاهش دهند، نیاز به بحث و بررسی دارد.

روش تحقیق

فراتحلیل یک روش شناسی برای بررسی نظام‌مند مجموعه‌ای از پژوهش‌ها، صورت‌بندی دقیق فرضیه‌ها، انجام جستجوی جامع و تهیه ملاک ورود یا حذف مقاله‌ها، ثبت و نگهداری ترکیب آماری داده‌ها و اندازه‌های اثر به‌دست آمده از بررسی‌های متعدد، جستجوی تعدیل‌کننده‌ها و متغیرهای میانجی برای تبیین آثار و گزارش نتایج است (هانت، ۱۹۹۷: ۱۲). این روش، تحلیل آماری مجموعه‌ای از نتایج مطالعات جداگانه به‌منظور ترکیب یافته‌هاست (ازکیا و توکلی به نقل از ولف، ۱۳۸۴: ۴). وجه مشترک همه مطالعات انجام شده با روش فراتحلیل، این است که با هدف ترکیب نتایج مطالعاتی انجام

1 Rosberg

2 Jahan

3 Chi Hsieh & Pugh

4 Bainous

5 Zarazua

می‌شوند که در گذشته، به صورت مطالعات موردی مستقل انجام شده‌اند (ون دن برگ^۱ و باتون، ۱۹۹۷: هاگ و هالی^۲، ۱۹۹۴). فراتحلیل در دو بعد کمی و کیفی مطرح است. فراتحلیل در بعد کمی، تحلیل آماری مجموعه بزرگی از نتایج به دست آمده از مطالعات منفرد متعدد و با هدف تلفیق آن یافته‌هاست. هر یک از آن مطالعات، در واقع واحد پژوهشی فراتحلیل تلقی می‌شوند (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۷۰). پژوهش حاضر، از نوع توصیفی-تحلیلی است که در آن محققان ابتدا با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، ۷۰ پژوهش انجام شده در حوزه فقر را بررسی کردند. از مجموع مطالعاتی که از دهه ۸۰ انجام شده بودند، ۳۲ پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. در ۱۸ پژوهش، فقر روستایی و در ۱۵ مورد نیز فقر روستایی و شهری به طور همزمان بررسی شده بودند که در مطالعه حاضر، صرفاً به جنبه روستایی آن توجه شد. به عبارت دیگر، جامعه آماری در این مطالعه، پژوهش‌هایی است که در دهه ۸۰، درباره فقر روستایی انجام شده‌اند. تجزیه و تحلیل نیز بر اساس تفسیر و تحلیل محتوای این پژوهش‌ها انجام شده است. متغیرهای اصلی پژوهش حاضر، عبارت‌اند از: سال انجام پژوهش، تعاریف فقر، سنجش فقر، نظریه‌های مورد استفاده، شیوه جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، گروه‌های فقیر در جوامع روستایی، روند فقر در جوامع روستایی در طول سه دهه گذشته، عوامل مؤثر بر فقر روستایی و نتایج و راه‌حل‌ها برای کاهش فقر.

یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول (۱) بیان شده است، در طول دهه ۸۰، مطالعاتی درباره فقر روستایی انجام شده است که فقر را در طول سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار داده‌اند که این موضوع، بیانگر اهمیت فقر، به ویژه فقر روستایی در تمام سال‌ها - قبل از انقلاب و بعد از آن - است. در تحقیق حاضر، تلاش شده است متغیرهای اصلی بیان شود که در پژوهش‌های مذکور بر آن تأکید شده بود. به عبارت دیگر، ابتدا یافته‌های توصیفی تحقیق بیان می‌شود و در نهایت، در بخش نتیجه‌گیری، تحلیل آنها انجام خواهد شد.

1 Van den Bergh & Button
2 Hough & Hall

فرا تحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران

جدول (۱): عناوین پژوهش‌های انجام شده در طول دهه ۸۰ درباره فقر روستایی

ردیف	نویسنده/ سال تحقیق	عنوان پژوهش	حوزه مطالعاتی
۱	خالدی و همکاران (۱۳۸۷)	مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی	روستایی
۲	عرب‌مازار و حسینی‌نژاد (۱۳۸۳ الف)	برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی	روستایی
۳	رحیمی و محمدی (۱۳۸۶)	شاخص‌های فقر و تغییرات رفاهی	روستایی
۴	نجفی و یعقوبی (۱۳۸۴)	تأمین مالی خرد: راهکاری نوین برای کاهش فقر	روستایی
۵	صامتی و کرمی (۱۳۸۳)	بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور	روستایی
۶	ترکمانی و جمالی مقدم (۱۳۸۴)	اثر مخارج عمرانی دولت بر فقرزدایی	روستایی
۷	عمرانی و همکاران (۱۳۸۸)	عوامل‌های تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی	روستایی
۸	ناصری و همکاران (۱۳۸۸)	بررسی تأثیر هزینه‌های مختلف بر اشتغال غیرکشاورزی و فقر در مناطق روستایی	روستایی
۹	صداقت (۱۳۸۱)	بررسی نظریه‌های اقتصادی دور تسلسل فقر و توسعه‌نیافتگی در مناطق پسته‌کاری ایران	روستایی
۱۰	شوشتریان (۱۳۸۶)	تعیین‌کننده‌های اقتصادی- اجتماعی فقر	روستایی
۱۱	ازکیا و همکاران (۱۳۸۰)	تعیین‌کننده‌های اقتصادی- اجتماعی فقر	روستایی
۱۲	عرب‌مازار و حسینی‌نژاد (۱۳۸۳)	عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران	روستایی
۱۳	اسکندری (۱۳۸۳)	فقر و عدم توسعه روستایی	روستایی
۱۴	حجتی کرمانی (۱۳۸۵)	بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و فقر	روستایی
۱۵	محمدی (۱۳۸۳)	بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر	روستایی
۱۶	قرنی آرائی (۱۳۸۸)	کاهش فقر روستایی با رویکرد مشارکتی	روستایی
۱۷	صحرائورد (۱۳۸۵)	بررسی علل اجتماعی- اقتصادی فقر	روستایی
۱۸	پیری (۱۳۸۹)	تبیین ساختار اجتماعی فقر از منظر فقرای روستایی	روستایی
۱۹	طراز کار و زیبایی (۱۳۸۳)	بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر	روستایی/ شهری
۲۰	خدادادکاشی و باقری (۱۳۸۴)	نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی	روستایی/ شهری
۲۱	علمی و همکاران (۱۳۸۶)	محاسبه شاخص قیمتی اصلاح فقر	روستایی/ شهری
۲۲	باقری و کاوند (۱۳۸۷)	اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران	روستایی/ شهری
۲۳	پیرایی و فردوجی (۱۳۸۸)	ارزیابی سیاست مالیاتی ایران از جنبه فقر و نابرابری	روستایی/ شهری
۲۴	جعفری ثانی و بخشوده (۱۳۸۷)	بررسی توزیع مکانی فقر و ناامنی غذایی	روستایی/ شهری
۲۵	خدادادکاشی و همکاران (۱۳۸۴)	برآورد خط فقر در ایران	روستایی/ شهری
۲۶	غروی نخجوانی (۱۳۸۴)	اندازه‌گیری شدت فقر در ایران	روستایی/ شهری
۲۷	خالدی و پرمه (۱۳۸۴)	بررسی وضعیت فقر در ایران	روستایی/ شهری
۲۸	زیبایی و شوشتریان (۱۳۸۶)	بررسی پویایی فقر در ایران	روستایی/ شهری
۲۹	راغفر و ابراهیمی (۱۳۸۶)	فقر در ایران	روستایی/ شهری
۳۰	محمودی (۱۳۸۱)	اندازه‌گیری فقر در ایران	روستایی/ شهری
۳۱	خانی و مردانی (۱۳۸۷)	توسعه‌نیافتگی و شاخص‌های فقر انسانی و جنسیتی	روستایی/ شهری
۳۲	محمودی (۱۳۸۲)	ارائه یک متدولوژی جدید برای تجزیه و تغییرات فقر به دو اثر رشد و توزیع مجدد	روستایی/ شهری

منبع: یافته‌های تحقیق

توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

* تعاریف، چارچوب نظری، خط فقر و سنجش آن

در خصوص تعاریف مربوط به فقر (مطلق و نسبی) از تعاریف افرادی مانند بوت و راونتری^۱، تاونزند^۲ (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶) و سن^۳ (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶؛ خانی و مردانی، ۱۳۸۷؛ خدادادکاشی و باقری ۱۳۸۴) استفاده شده است. چارچوب‌های نظری مورد استفاده نیز نظریات دور تسلسل فقر رائل پربیش، پل باران، راگنار نورکس^۴ (صداقت، ۱۳۸۱)؛ رویکرد قابلیت، نظریه نظام جهانی و رویکرد توانمندسازی زنان (خانی و مردانی، ۱۳۸۷) مشارکتی (قرنی آرنی، ۱۳۸۸) تله محرومیت چمبرز^۵ (محمدی، ۱۳۸۳)، رویکرد مشارکتی، محرومیت و طرد اجتماعی (قرنی آرنی، ۱۳۸۸) بوده است. در پژوهش‌های انجام شده، خط فقر با روش‌های مختلفی اندازه‌گیری شده است. روش‌هایی که همگی مبتنی بر تعاریف معتبری در این زمینه بودند، مانند تعاریف صمدی، برآورد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، روش ارشانسکی^۶، تعاریف مربوط به دفتر بهبود و تغذیه وزارت بهداشت؛ روش پژویان^۷، روش معکوس ضریب انگل و روش تأمین انرژی غذایی^۸ (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ خدادادکاشی و باقری، ۱۳۸۴؛ عرب مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ ترکمانی و جمالی مقدم، ۱۳۸۴؛ ناصری و همکاران، ۱۳۸۸؛ باقری و کاوند ۱۳۸۷؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳؛ زیبایی و شوشتریان، ۱۳۸۶؛ راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶؛ محمودی، ۱۳۸۱).

برای سنجش شاخص‌های فقر، از روش‌هایی مانند نسبت سرشمار فقر^۹ (HCR) (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ ترکمانی و جمالی مقدم، ۱۳۸۴؛ خدادادکاشی و باقری، ۱۳۸۴)، شاخص^{۱۰} FGT (عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶؛ عمرانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ جعفری‌ثانی و

۱ Rowntree & Booth. فقر مطلق را ناتوانی در کسب حداقل استانداردهای زندگی و فقر نسبی را نابرابری در توزیع درآمد، ثروت، بیش از میزان مطلق درآمد افراد می‌دانند.

۲ Tawnsand، فقر را ناتوانی افراد در کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها، شرایط و امکانات معمول زندگی می‌داند.

۳ Sen، فقر را نوعی محرومیت و مفهومی نسبی می‌داند.

۴ طبق نظر آنها پدیده توسعه‌نیافتگی و فقر، در گرداب تسلسل‌های باطل کمبود سرمایه، عدم بازدهی نیروی کار و زوال رابطه مبادله قرار دارد.

۵ این عوامل عبارت‌اند از بی‌قدرتی، آسیب‌پذیری، ضعف جسمانی، فقر و انزوا.

۶ Orshansky. در این روش، با ضریب نسبت کل هزینه‌های خانوار به متوسط هزینه‌های خوراکی در خط فقر مطلق غذایی، خط فقر مطلق به دست می‌آید.

۷ در این روش، خانوارها در قالب ده دهک درآمدی قرار می‌گیرند، سپس با توجه به مخارج واقعی اولین دهکی که برای اولین بار به ۲۱۷۹ کالری دست پیدا کرده است، خط فقر محاسبه می‌شود.

8 Food Energy Intake

۹ Head Count Ratio: بر اساس این روش، می‌توان شاخص‌های اصلی فقر را شناخت.

۱۰ Foster Green Torbek: شاخصی است که بیانگر میزان و شدت فقر در گروه‌های مختلف شغلی است.

فرا تحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران

بخشوده، ۱۳۸۷؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳)، مدل^۱ 2SLs (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳؛ ترکمانی و جمالی مقدم، ۱۳۸۴؛ ناصری و همکاران، ۱۳۸۸)، شاخص SST^۲ (باقری و کاوند، ۱۳۸۷) نظریه انگل درباره رفتار مصرفی خانوار (غروی نخجوانی، ۱۳۸۴)، هزینه و درآمد ناخالص سالانه خانوار (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۰؛ خالدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ صامتی و کرمی، ۱۳۸۳؛ عمرانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ صداقت، ۱۳۸۱؛ پیری، ۱۳۸۹)، متوسط سطح زیرکشت گروه‌ها (صداقت ۱۳۸۱)، تعاریف مربوط به سازمان ملل در محاسبه شاخص توسعه انسانی^۳ و توسعه جنسیتی^۴ (خانی و مردانی، ۱۳۸۷)، شاخص‌های توسعه انسانی، بهزیستی انسانی، شاخص سطح زندگی و رویکرد مشارکتی (قرنی‌آرانی، ۱۳۸۸) استفاده شده است.

* جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها

بیشتر اطلاعات - ۶۲/۵ درصد - از داده‌های ثانویه و اطلاعات آماری مربوط به هزینه و درآمد مرکز آمار ایران به دست آمده است که عمدتاً با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای حاصل شده است^۵ (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳ الف؛ رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ صامتی و کرمی، ۱۳۸۳؛ عمرانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ ناصری و همکاران، ۱۳۸۸؛ صداقت، ۱۳۸۱؛ خانی و مردانی، ۱۳۸۷؛ خدادادکاشی و باقری، ۱۳۸۴؛ باقری و کاوند، ۱۳۸۷؛ جعفری‌ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷؛ خدادادکاشی و باقری، ۱۳۸۴؛ باقری و کاوند، ۱۳۸۷؛ غروی نخجوانی، ۱۳۸۴؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳؛ راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶؛ محمودی، ۱۳۸۱؛ زیبایی و شوشتریان، ۱۳۸۶؛ خالدی و پرمه، ۱۳۸۴) و فقط ۲۱/۸۸ درصد از یافته‌های این نوع تحقیقات، به پژوهش‌هایی درباره فقر روستایی مربوط است که با ورود محقق به روستا و با استفاده از روش‌هایی همانند پرسشنامه یا مصاحبه جمع‌آوری شده است (نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۴؛ ازکیا و همکاران، ۱۳۸۰؛ محمدی، ۱۳۸۳؛ قرنی‌آرانی، ۱۳۸۸؛ حجتی کرمانی، ۱۳۸۵؛ پیری، ۱۳۸۹؛ صحراالنورد،

۱ این شاخص بر اساس سیستم معادلات همزمان و تأثیر متقابل متغیرها عمل می‌کند.

۲ این شاخص شدت فقر را با در نظر گرفتن تعداد فقرا، عمق فقر و نابرابری در میان فقرا اندازه‌گیری می‌کند.

۳ زندگی سالم و طولانی، استاندارد شایسته زندگی و داشتن زندگی سالم را شامل می‌شود.

۴ درصد مردم بدون دسترسی به توالت، آب سالم، کودکان کم‌وزن و نرخ بی‌سوادی بزرگسالان

۵ برای مناطق روستایی، اطلاعات نمونه‌گیری هزینه و درآمد خانوار با مصاحبه شخصی، هر ۲۴ ساعت یکبار جمع‌آوری می‌شود (محمودی، ۱۳۸۱).

توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

۱۳۸۵). بیشتر مطالعات انجام شده، برای تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به فقر روستایی، از روش‌های کتابخانه‌ای و آزمون‌های مختلف اقتصادسنجی استفاده کرده‌اند (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶؛ نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۴؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ صامتی و کرمی، ۱۳۸۳؛ ترکمانی و جمالی‌مقدم، ۱۳۸۴؛ شوشتریان، ۱۳۸۶؛ باقری و کاوند، ۱۳۸۷؛ پیرائی و فردوجی، ۱۳۸۸؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳؛ زیبایی، شوشتریان، ۱۳۸۶). تعدادی از پژوهش‌ها نیز با استفاده از روش‌های کمی مانند نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شده بود (خانی و مردانی، ۱۳۸۷؛ محمدی، ۱۳۸۳؛ قرنی‌آرانی، ۱۳۸۸؛ حجتی کرمانی، ۱۳۸۵؛ صحراالنورد، ۱۳۸۵). تعداد بسیار اندکی نیز با روش کیفی و کمی (قرنی‌آرانی، ۱۳۸۸؛ حجتی کرمانی، ۱۳۸۵) یا روش‌های کیفی مانند نظریه بنیانی (پیری، ۱۳۸۹) انجام شده بودند.

* گروه‌های فقیر روستایی

در مطالعات مذکور، فقر در خانوارهایی که سرپرست آنها به کشاورزی اشتغال داشت، خانوار با سرپرست زن، خانوار با سرپرستان بالای ۵۵ سال، افراد بی‌سواد، بی‌زمین‌ها و گروه‌های کم‌درآمد، بیش از سایر خانوارهای جامعه روستایی بود (عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶؛ صحراالنورد، ۱۳۸۵؛ نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۴؛ ازکیا و همکاران، ۱۳۸۰؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ الف‌خانی و مردانی، ۱۳۸۷؛ خدادادکاشی و باقری، ۱۳۸۴؛ محمدی، ۱۳۸۳). همچنین در برخی از مطالعات بیان شده است که ساکنین منطقه شرقی کشور، بیش از سایر مناطق دچار فقر هستند (عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ خانی و مردانی، ۱۳۸۷).

* روند فقر در میان جوامع روستایی

در مطالعات مذکور، نشان داده شده است که وجوه مختلف فقر روستایی از اواخر دهه ۶۰ تا اواخر دهه ۷۰، افزایش یافته است. اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی کشور، موجب افزایش فقر مطلق شده است، به عبارت دیگر، اثر سیاست‌های تعدیل بر رفاه افراد فقیر در نواحی روستایی منفی بوده است. به طوری که ممکن است کاهش یارانه کشاورزی، کاهش دستمزدهای واقعی، کاهش در مصرف سرانه حقیقی و افزایش بیکاری، موجب افزایش فقر روستایی شده باشد. اما با آغاز دهه ۸۰، تعداد فقرای روستایی کاهش یافته است، رشد متوسط درآمد افزایش و نابرابری بین خانوارهای فقیر نیز کاهش یافته است که دلیل آن، عمدتاً کاهش نرخ فقر و نسبت شکاف فقرا و تا حدودی کاهش

فرا تحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران

میزان نابرابری است (باقری و کاوند، ۱۳۸۷؛ محمودی، ۱۳۸۱؛ رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶؛ عمرانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ خانی و مردانی، ۱۳۸۷؛ جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷؛ خدادادکاشی و باقری، ۱۳۸۴). با اینکه از دهه ۷۰، حداقل میزان رفاه عمومی مناطق روستایی افزایش یافته، ولی وضعیت امنیت غذایی در مناطق روستایی بسیار نامناسب بوده است، یعنی هزینه خوراکی خانوارهای روستایی کاهش یافته است، زیرا تغییر ساختار مصرف کالاهای خوراکی در روستا کمتر از شهرها است، قدرت خرید کم است و فرهنگ تغذیه در روستاها مناسب نیست (جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷؛ پیرائی و فردوجی، ۱۳۸۸؛ غروی نخبجوانی، ۱۳۸۴؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳؛ راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶؛ زیبایی و شوشتریان، ۱۳۸۶؛ خالدی و همکاران، ۱۳۸۷).

* عوامل تأثیرگذار بر فقر

در پژوهش‌های انجام شده درباره عوامل مؤثر بر فقر، برخی دلایل اجتماعی و اقتصادی بیان شده بود. عواملی مانند انزوا و بی‌قدرتی خانوار، هزینه‌های مربوط به رسوم اجتماعی، هزینه مصیبت‌ها، قدرت چانه‌زنی کم (محمدی، ۱۳۸۳)، محرومیت از امکانات آموزشی (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۰؛ پیری، ۱۳۸۹)، ضعف مشارکت، درگیری‌های طایفه‌ای، وابستگی به نهادهای حمایتی، تقدیرگرایی (پیری، ۱۳۸۹) و ضعف سرمایه اجتماعی (حجتی کرمانی، ۱۳۸۵) به‌عنوان دلایل اجتماعی فقر ذکر شده بودند. بیکاری (عرب‌مازار و حسینی‌نژاد؛ پیری، ۱۳۸۹)، کمبود درآمد و عدم دسترسی به زمین و نهادهای کشاورزی (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۰؛ محمدی، ۱۳۸۳) و توزیع نامناسب درآمد (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷) نیز به‌عنوان عوامل اقتصادی بیان شده بودند.

* نتایج

نتایج تحقیقات مربوط به فقر در جامعه روستایی ایران بسیار متنوع بود. در برخی از مطالعات بر توجه به بخش کشاورزی، تأکید شده بود. برای مثال، گفته شده است که هزینه‌های دولت در زیرساخت‌های روستایی و به‌ویژه در بخش کشاورزی، توسعه و عمران روستایی، جاده‌سازی، تحقیق و ترویج کشاورزی و آبیاری تأثیر بسیاری در توسعه مشاغل غیرکشاورزی، ارزش افزوده بخش کشاورزی و در نهایت فقر روستایی دارد، زیرا بسیاری از فقرا روستایی به مراکز کشاورزی دسترسی ندارند (ناصری و همکاران، ۱۳۸۸؛ ترکمانی و جمالی‌مقدم، ۱۳۸۴؛ محمدی، ۱۳۸۳)، از سوی دیگر، هر چند سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، موجب رشد اقتصادی این بخش شده است، اما میزان و

توزیع منافع حاصل از این رشد تا حدی نبوده است که فقر روستایی را تحت تأثیر قرار دهد و به نظر می‌رسد منافع رشد اقتصادی کشاورزی به سوی اقشار فقیر روستایی نشت نمی‌کند (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷). عوامل مالی و اقتصادی از جمله موضوعاتی است که در پژوهش‌های مذکور، بر آن تأکید شده بود. در برخی از پژوهش‌های فوق، کاهش دارایی‌های خانوار، نسبت به سایر متغیرهای جمعیتی و جغرافیایی، نقش زیادی در افزایش فقر خانوار ایفا می‌کند، برای مثال، بسیاری از فقرای روستایی، بدهکار هستند. افزایش فقر در نواحی روستایی بیشتر به افزایش نابرابری وابسته است و در مناطق روستایی، از دهه هشتاد به این سو، فقر مزمن کمتر وجود داشته است، به همین دلیل با حمایت کوتاه‌مدت و تأمین اعتبارات برای حمایت خانوارهای آسیب‌دیده، با هزینه کمتری می‌توان به کاهش فقر در آنها کمک کرد. همچنین طبق یافته‌های مطالعات مذکور، مهمترین دلیل دریافت اعتبار کشاورزی از منابع رسمی و غیررسمی اعتباری، مصارف تولیدی و رفع هزینه‌های تولید است، و هزینه‌های جنبی دریافت اعتبار از بخش رسمی، بیشتر از بخش غیررسمی است (عرب‌مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳ الف؛ محمدی، ۱۳۸۳؛ محمودی، ۱۳۸۲؛ زیبایی و شوشتریان، ۱۳۸۶؛ نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۴). همچنین در مطالعاتی که به‌ویژه در سال‌های اخیر انجام شده، بر عوامل جمعیت‌شناختی و اجتماعی تأکید شده است. بعد خانوار، سن و نوع سرپرست خانوار، ترکیب سنی فرزندان در همه گروه‌های شغلی، اثر مثبتی بر فقیر شدن خانوار داشت (عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳ الف؛ عمرانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ محمدی، ۱۳۸۳). ضعف مشارکت در پروژه‌های محلی، بی‌سوادی، عدم دسترسی به وسایل ارتباطی، بی‌قدرتی، انزوا، آداب و رسوم موجود، وابستگی و درگیری‌های قبیله‌ای در روستا، از جمله عوامل اجتماعی است که در پژوهش‌های مذکور بر آن تأکید شده بود (شوشتریان، ۱۳۸۶؛ محمدی، ۱۳۸۳؛ صحرانورد، ۱۳۸۵؛ قرنی آرانی، ۱۳۸۸؛ پیری، ۱۳۸۹؛ حجتی کرمانی، ۱۳۸۵). فقط در یکی از مطالعاتی که درباره جنسیت و فقر انجام شده بود، فقدان نگرش جنسیتی در برنامه‌ریزی به‌منظور بهبود شاخص‌های فقر نه تنها به بهبود شاخص‌های جنسیتی فقر منجر نشده، بلکه موجب افزایش شکاف نیز شده است (خانی و مردانی، ۱۳۸۷).

✽ استراتژی‌ها برای کاهش فقر روستایی

با مطالعه استراتژی‌ها در مطالعات مربوط به فقر در جامعه روستایی، می‌توان آنها را به دو دسته استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان و راهبردهای مردم‌محور تقسیم کرد که در ادامه تشریح

فرا تحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران

می‌شود: استراتژی‌های ساختاری و سیاست‌گذاری‌ها: در این زمینه می‌توان موارد زیر را بیان کرد: تدوین استراتژی‌های شفاف از سوی دولتمردان در زمینه محور قرار دادن بخش کشاورزی، سیاست مثبت قیمت‌گذاری و خرید محصول از طریق توجه به فقرای روستایی (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ صامتی و کرمی، ۱۳۸۳؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳؛ ترکمانی و جمالی‌مقدم، ۱۳۸۴؛ صداقت، ۱۳۸۱؛ عمرانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ محمدی، ۱۳۸۳)، سیاست‌های مناسب دولت برای توزیع مناسب درآمد، آموزش‌های فنی حرفه‌ای، ایجاد کار و اشتغال و راه‌اندازی شبکه تأمین اجتماعی (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ صامتی و کرمی، ۱۳۸۳؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳؛ زیبایی و شوشتریان، ۱۳۸۶؛ جعفری‌ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷)، سرمایه‌گذاری دولت به‌منظور بهبود ساختارهای آموزشی، توسعه شبکه برق در مناطق روستایی، آبرسانی (ناصری و همکاران، ۱۳۸۸)، توجه به جهت‌گیری‌های منطقه‌ای در برنامه‌ریزی برای فقرزدایی (جعفری‌ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷؛ راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶؛ خانی و مردانی، ۱۳۸۷؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳)، هدفمندسازی یارانه‌ها، جهت‌گیری یارانه‌ها به‌سوی شناسایی گروه‌های فقیر و حمایت از مواد پروتئینی و اصلاح الگوی تغذیه خانوار (جعفری‌ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳؛ راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶) و افزایش درآمد پولی و غیرپولی کشاورزی، تأمین نیازهای اعتباری و دسترسی افراد به خدمات رفاهی (رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶؛ نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۴؛ محمدی، ۱۳۸۳؛ خانی و مردانی، ۱۳۸۷) که مخاطب آنها دولت و نهادهای مرکزی است. راهبردهای مردم‌محور: که افزایش توانمندسازی، آگاه‌سازی، تقویت مهارت‌های رهبری و سازمان‌دهی در میان روستاییان، انعطاف‌پذیری بیشتر در میان مدیران و کارشناسان داخلی، تخصیص منابع، اطلاعات و آگاهی به روستاییان، استفاده از رویکردهای مشارکتی و دخالت مستقیم اجتماعات محلی در پروژه‌های محلی را شامل می‌شود (قرنی‌آرانی، ۱۳۸۸؛ پیروی، ۱۳۸۹؛ خانی و مردانی، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری تحقیق

موضوع فقر روستایی و به‌ویژه نگاهی کلی به مطالعات انجام شده در این زمینه، برای کاهش هزینه‌ها و نیز جلوگیری از موازی‌کاری‌ها، مهم و ضروری است. طبق یافته‌های تحقیق، در بیشتر پژوهش‌های انجام شده، در زمینه تعاریف و سنجش خط فقر، از روش‌های کاملاً اقتصادی استفاده شده است، اما همان‌طور که وبر و همکاران (۲۰۰۵) معتقد هستند، شایع‌ترین نقد درباره حد آستانه

فقر، این است که در آستانه رسمی فقر، هزینه‌های گوناگون زندگی در مکان‌های مختلف مورد توجه قرار نمی‌گیرد. همچنین فقط ۶/۲۵ درصد از پژوهش‌های انجام شده، برای شناسایی فقر از شاخص‌های توسعه انسانی و نیز رویکردهای نظری مشارکتی و انسانی بهره برده بودند و اکثر آنها مبتنی بر شاخص‌های درآمدی و اقتصادی بوده‌اند. بیشتر محققانی که فقر در جامعه روستایی ایران را بررسی کرده بودند، گردآوری داده‌های خود را به‌طور غیرمستقیم و با روش تحلیل ثانویه انجام داده بودند، اما همان‌طور که بی (۱۳۸۱) می‌گوید در تحلیل ثانویه، قبلاً محقق دیگری، برای هدفی غیر از موضوع مطالعه جاری، آنها را جمع‌آوری کرده است. تجزیه و تحلیل بیشتر مطالعات مذکور نیز با روش اقتصادسنجی انجام شده است، در حالی که با توجه به متفاوت بودن فرهنگ و ارزش‌ها در نواحی مختلف جامعه روستایی ایران، به دیدگاه‌های مشارکتی و انسانی روستاییان بیشتر نیاز است. بررسی و تبیین دلایل فقر روستایی، فقط ۱۸/۷۵ درصد از کل مطالعات یادشده را به خود اختصاص داده بود، موضوعی که با توجه به لزوم برنامه‌ریزی مناسب و صحیح و نیز آگاهی برنامه‌ریزان به دلایل فقر در جامعه روستایی قابل تأمل است. یافته‌های برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که یکی از گروه‌های مستعد فقر، زنان روستایی به‌ویژه زنان سرپرست خانوار هستند. توجه ویژه به این قشر از جامعه و نیز جوانان روستایی، به‌عنوان نیروهای مهم جوامع روستایی، می‌تواند تا حدود زیادی موجب کاهش فقر روستایی شود. در حالی که مطالعات بسیار کمی با تکیه بر جنسیت، فقر را بررسی کرده بودند. می‌توان گفت در سال‌هایی که نرخ فقر در جوامع روستایی کاهش پیدا کرده بود، شرایط تغذیه و هزینه‌های خوراکی در میان روستاییان، همچنان در سطح پایینی قرار داشت. راه‌حل‌های بسیاری از پژوهش‌های مذکور، برای فقرزدایی در جوامع روستایی، متکی بر ایجاد استراتژی‌هایی است که صرفاً توسط سیاستمداران، برنامه‌ریزان و متخصصان واقع در مراکز شهری اتخاذ می‌شود و فقط ۹/۳۷ درصد از پژوهش‌های یادشده، بر توانایی مردم و استفاده از دیدگاه‌های آنها در فقرزدایی تأکید داشتند. علاوه‌براین، در تحقیقات مذکور، به بررسی بسیاری از موضوعات درباره فقر روستایی توجه نشده، برای مثال، موضوعاتی مانند بررسی آثار فقر بر جنبه‌های مختلف زندگی و نیز بر گروه‌های مختلف روستاییان، مانند زنان، دختران، دانش‌آموزان یا جوانان، بررسی سیاست‌گذاری‌های مختلف در زمینه فقرزدایی و ارزیابی آثار آنها و نیز بررسی نقش پدیده‌هایی در سطح کلان، مانند تأثیر جهانی شدن بر فقر روستایی مورد بررسی قرار نگرفته است. نکته بسیار مهمی که در تحقیق حاضر باید بر آن تأکید

فرا تحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران

کرد، سهم بسیار اندک مطالعاتی است که با استفاده از رویکردهای مشارکتی، به بررسی فقر در جامعه روستایی ایران پرداخته‌اند. در بیشتر مطالعات مذکور، محققان بدون استفاده از روش‌های مستقیم و مراجعه به جوامع روستایی، و صرفاً با تکیه بر داده‌های دسته دوم، فقر را بررسی کرده‌اند. شایان ذکر است که در بیشتر مطالعات مذکور، در زمینه متغیرهای مختلف تحقیق و به‌ویژه استراتژی‌های به کار رفته، نگاهی کلی، همگون‌ساز، عمدتاً اقتصادی و کمی به فقر روستایی وجود داشته است، در حالی که، در نواحی مختلف ایران، روستاهایی وجود دارند که از ارزش‌ها، هنجارها، ساختارهای اجتماعی یا قبیله‌ای برخوردار هستند که ممکن است با جوامع دیگر متفاوت باشد، از این رو، لازم است که فقر به‌عنوان واقعیتهای اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی تلقی شود که حل آن فقط با حضور در میان فقرای روستایی، بررسی ارزش‌ها و هنجارهای آنان، بهره‌گیری از دیدگاه‌های فقرا، اتخاذ رویکردهای انسانی‌تر - به‌عنوان رویکردهای جدید و مورد بحث در عرصه جهانی - و توجه به توانمندسازی روستاییان، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر مانند زنان میسر است.

منابع

- ازکیا و همکاران (۱۳۸۰). تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله. *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال نهم، شماره ۳۴.
- ازکیا، مصطفی و توکلی، محمود، (۱۳۸۵). فرا تحلیلی مطالعات تحلیل رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۷.
- اسکندری محمد (۱۳۸۳). *فقر و عدم توسعه روستایی: نمونه موردی دهستان زیرکوه بخش باغ بهادران چهارمحال و بختیاری*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده علوم زمین و جغرافیا.
- باقری، فریده و کاوند، حسین (۱۳۸۷). اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۵. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸.
- بی، ارل (۱۳۸۱). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه رضا فاضل. جلد دوم. چاپ اول. انتشارات سمت.
- بیت، ریچارد و ویک، الین هارت (۱۳۸۴). *نظریه‌های توسعه*. ترجمه ازکیا و همکاران. تهران: انتشارات لویه.
- پیرانی، خسرو و فرد دوجی، سارا (۱۳۸۸). ارزیابی سیاست مالیاتی ایران از جنبه فقر و نابرابری: آیا سیاست مالیاتی به نفع فقیر بوده است؟ *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*. سال نهم. شماره دوم. ۴۶-۱۹.

توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

- پیری، صدیقه (۱۳۸۹). تبیین ساختار اجتماعی فقر از منظر فقرای روستای. مطالعه موردی روستای گنبد پیرمحمد از توابع شهرستان ملکشاهی استان ایلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته توسعه روستایی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ترکمانی، جواد و مقدم، الهام (۱۳۸۴). اثرات مخارج عمرانی دولت بر فقرزدایی در مناطق روستایی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفتم. شماره ۲۵، صص ۱۵۳-۱۷۴.
- جعفری ثانی، مریم و بخشوده، محمد (۱۳۸۷). بررسی توزیع مکانی فقر و ناامنی غذایی خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک استانی در ایران. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال شانزدهم. شماره ۶۱.
- حجتی کرمانی، فرشته (۱۳۸۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و فقر از منظر روستاییان مطالعه موردی روستاهای جلیل آباد از توابع شهرستان ورامین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی گرایش توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خالدی و همکاران (۱۳۸۷). مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال دهم، شماره ۳۵.
- خالدی، کوهسار و پرمه، زورار (۱۳۸۴). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم شماره ۴۹.
- خانی، فضیله و مردانی، مریم (۱۳۸۷). توسعه یافتگی و شاخص‌های فقر انسانی و جنسیتی مناطق شهری و روستایی ایران. فصلنامه پژوهش زنان، دوره ششم. شماره ۴.
- خدادکاشی، فرهاد و باقری، فریده (۱۳۸۴). توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۲، ۳۱-۴۲.
- راغفر، حسین و ابراهیمی، زهرا (۱۳۸۶). فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۳. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴.
- رحیمی، مجید و محمدی، حمید (۱۳۸۶). شاخص‌های فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴.
- رهنما، مجید (۱۳۸۵). هنگامی که بینوایی فقر را از صحنه بیرون می‌راند. ترجمه حمید جاودانی. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۴). فقر روستایی، روند و اندازه‌گیری آن در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
- زیبایی، منصور و شوشتریان، آشان (۱۳۸۶). بررسی پویایی فقر در ایران با استفاده از داده‌های مرکب خانوارهای روستایی و شهری. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال نهم شماره ۳۲.

فراتحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران

شریعتی، محمدتقی (۱۳۸۳). چالش‌های برنامه‌ریزی مشارکتی محلی در ایران. مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها. انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. تهران.

شوشتریان، آشان (۱۳۸۶). بررسی تعیین‌کننده‌های نهادی فقر روستایی با تأکید بر تعاونی‌های روستایی زنان در استان فارس، ویژه‌نامه ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID).

صامتی، مجید و کرمی، علیرضا (۱۳۸۳). بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۷، ۲۱۳-۲۳۴.

صحرائنورد، احمد (۱۳۸۵). بررسی علل اجتماعی-اقتصادی فقر در روستای آلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته علوم اجتماعی. گرایش توسعه روستایی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

صداقت، رضا (۱۳۸۱). بررسی نظریه اقتصادی دور تسلسل فقر و توسعه‌نیافتگی در مناطق پسته‌کاری ایران. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دهم، شماره ۳۹.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۹). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵.

طرازکار، محمد حسن و زیبایی، منصور (۱۳۸۳). بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری. مطالعه موردی استان‌های فارس و اصفهان و سمنان. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۸.

عابدی سروستانی، احمد (۱۳۸۵). جایگاه ترویج در توسعه با تأکید بر مشارکت. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۱.

عرب‌مازار، عباس و حسینی نژاد، سید مرتضی الف (۱۳۸۳). برآورد میزان و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵.

عرب‌مازار، عباس و حسینی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID).

علمی، زهرا و همکاران (۱۳۸۶). محاسبه شاخص قیمتی اصلاح فقر شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۳. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۱.

عمرانی و همکاران (۱۳۸۸). عامل‌های تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۱، شماره ۲.

غروی‌نخجوانی، سید احمد (۱۳۸۴). فقر در خانوارهای ایرانی با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.

توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

- قرنی آرانی، بهروز (۱۳۸۸). تبیین کاهش فقر روستایی با رویکردی مشارکتی. مورد مطالعه حوزه آبریز حبله رود. رساله دکتری گروه برنامه ریزی روستایی. دانشکده جغرافیا. دانشگاه تهران.
- مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی (۱۳۷۹). مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی. مشهد.
- محمدی، شعبان (۱۳۸۳). بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر در روستای آبرسدان و چشمه دره از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته علوم اجتماعی گرایش توسعه روستایی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- محمودی، وحید (۱۳۸۱). اندازه گیری فقر در ایران. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۴.
- محمودی، وحید (۱۳۸۲). ارائه یک مدلولوژی جدید برای تجزیه و تغییرات فقر به دو اثر «رشد» و «توزیع مجدد». مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۶۵-۱۸۶.
- ناصری و همکاران (۱۳۸۸). بررسی تأثیر هزینه های مختلف دولت بر اشتغال کشاورزی و فقر در مناطق روستایی ایران. فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال نهم. شماره ۴.
- ناطق پور، محمدجواد و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۵). شکل گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸.
- نجفی، بهالدین و یعقوبی، وحید (۱۳۸۴). تأمین مالی خرد، راهکاری نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم. شماره ۴۹.
- Bainous, Kargbo, Stephen (2006). *Micro Finance Against Poverty – A meta analysis of reported impacts in developing countries*. Gottingen, 31, edition: 1.
- Chi Hsieh, Ching and Pugh, M. D (1993). Poverty, Income Inequality, and Violent Crime: A Meta-Analysis of Recent Aggregate Data Studies. *Criminal Justice Review*. Autumn 1993 vol. 18. No. 2 182-202.
- Hunt, M. (1997). *How Science Takes Stock*. New York: Russell Sage Found.
- Hough, S. L., Hall, B. W. (1994). Comparison of the glass and hunterschmidt meta-analytic techniques. *Journal of Educational Research*. 87 (5). pp: 292-296.
- Jahan, s. (2008) Poverty and infant mortality in the Eastern Mediterranean region: a meta-analysis. *J Epidermal Community Health*. 62. pp: 745-751.
- Rahnema, Majid (2004). *Eradicating poverty or the poor?*. Redrafted 25-08-05.
- Rahnema, Majid (2002). *A Different Look at the Population Problem*. Human Sciences Press. Inc.
- Rosberg, Michael (2008). *Meta analysis on poverty reduction: Belize rural development project*. Galen university Applied Research and development institute.
- Van den Bergh, J. C. J. M., Button, K. (1997). Meta-analysis of environmental issues in regional. *Urban and Transport Economics Urban Studies*. 34 (5-6). 927-944.
- Weber, Bruce and others (2005). *A Critical Review of Rural Poverty Literature: Is There Truly a Rural Effect?*. International Regional Science Review.
- Zarazua, Miguel nino (2010). What do we know about poverty impacts of microfinance? A meta-analysis. *Conference: Ten Years of War Against Poverty*.